

# نظری بر وظایف شورای عالی آموزش و پرورش با استفاده از تحلیل سیستمی و ارائه مبانی مناسب جهت بهبود کیفیت تصمیم‌گیریهای آموزشی و پرورشی

معرفی مقاله

نوشته: دکتر محمدرضا برنجی

در چهارمین شماره فصلنامه تعلیم و تربیت در سال اول انتشار (زمستان ۱۳۶۴) مقاله‌ای در زمینه معرفی شورای عالی آموزش و پرورش و دبیرخانه آن ارائه گردید، و خاطر نشان شد که با توجه به اهمیت و نقشی که این شورا در آموزش و پرورش کشور دارد، در نظر است در آینده نیز در مورد نقش آن در نظام آموزش و پرورش ما، مقاله‌ای در این فصلنامه ارائه شود.

مقاله حاضر در این رابطه فراهم آمده، و نقش و وظایف شورای عالی آموزش و پرورش را از دیدگاه تحلیل سیستمی نظام آموزش و پرورش مورد بررسی قرار داده، حدود قلمرو اختیارات و وظایف شورا را تحلیل و بررسی می‌نماید.

مقاله با یادآوری تاریخچه تأسیس شورای عالی آموزش و پرورش شروع گردیده، و با ارائه الگویی سیستمی از نظام آموزش و پرورش به تحلیل عوامل درونی سیستم آموزش و پرورش پرداخته و پس از آن ارتباطات عوامل بیرونی و درونی سیستم آموزش و پرورش را تحلیل نموده، و نقش شورای عالی آموزش و پرورش را در برقراری و ایجاد ارتباط با محیط و جلوگیری از بسته شدن سیستم یادآور می‌گردد.

این مقاله را برادر دکتر محمدرضا برنجی عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم تهیه و تدوین نموده و در اختیار فصلنامه قرار داده‌اند. با ابراز تشکر و قدردانی از ایشان امید است در آینده نیز از مقالات ایشان در فصلنامه بهره‌مند گردیم.

«فصلنامه»

مدتها از زمان تشکیل «شورای عالی معارف» می‌گذرد. همانی که اکنون «شورای عالی آموزش و پرورش» است. در سال ۱۳۰۰ ه. ش. قانون تأسیس شورای عالی معارف مشتمل بر ۱۵ ماده به تصویب رسید. این شورا تا به امروز دارای وظایفی کم‌وبیش ثابت بوده و تغییرات به وجود آمده بیشتر در عنوان ظاهری شورا است. در سال ۱۳۱۶ به «شورای عالی فرهنگ» تغییر نام داد. در ۱۸ دی‌ماه سال ۱۳۳۱ قانون تشکیل شورای عالی فرهنگ به تصویب رسید. در سال ۱۳۴۳، وزارت فرهنگ به وزارتخانه‌های فرهنگ و هنر، آموزش و پرورش و سازمان اوقاف تفکیک شد و نام شورای عالی آموزش و پرورش از شهریورماه سال ۱۳۴۵ که قانون جدید آن به تصویب رسید تاکنون ثابت مانده است. آخرین تغییرات در وظایف و مواد قانون فوق پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکبار در تاریخ ۲۷ بهمن‌ماه ۱۳۵۸ با تصویب شورای انقلاب اسلامی و دیگر بار در تاریخ ۶۵/۹/۲۵ با تصویب مجلس شورای اسلامی انجام گرفت.

وظایف شورا در آن زمان که تنها وزارت معارف رسماً مسئول تعیین هدفها و خط‌مشی آموزش و پرورش کشور بود می‌توانست متناسب با نیازهای آموزش و پرورش کشور باشد ولی امروز که وظایف آموزش و پرورش کشور گسترش یافته و شاهد تعدد و تنوع موضوعهای آموزش و پرورش در سطوح مختلف می‌باشیم وظایف قید شده در قانون تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش نمی‌تواند صرفاً پاسخگو باشد بلکه تجدیدنظر در آن با توجه به سهمی که وزارتخانه‌های فرهنگ و آموزش عالی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان رادیو و تلویزیون و سایر مؤسسات در آموزش و پرورش کشور دارند ضروری است.

هدف این مقاله آنست که خوانندگان محترم که به حل مسائل آموزش و پرورش علاقه‌مند می‌باشند بتوانند با تحلیل سیستمی جهت دریافت مسایل و تناسب راه‌حلهای آن آگاهی بیشتری بیابند. همچنین سعی شده است با تحلیل مسایل گذشته و حال برای رسیدن به وضع مطلوب راههایی پیشنهاد شود. استفاده از وظایف شورای عالی آموزش و پرورش به منظور روشن ساختن ارتباط سیستمی عوامل درون وزارت آموزش و پرورش و عوامل بیرون از آن صورت می‌گیرد.

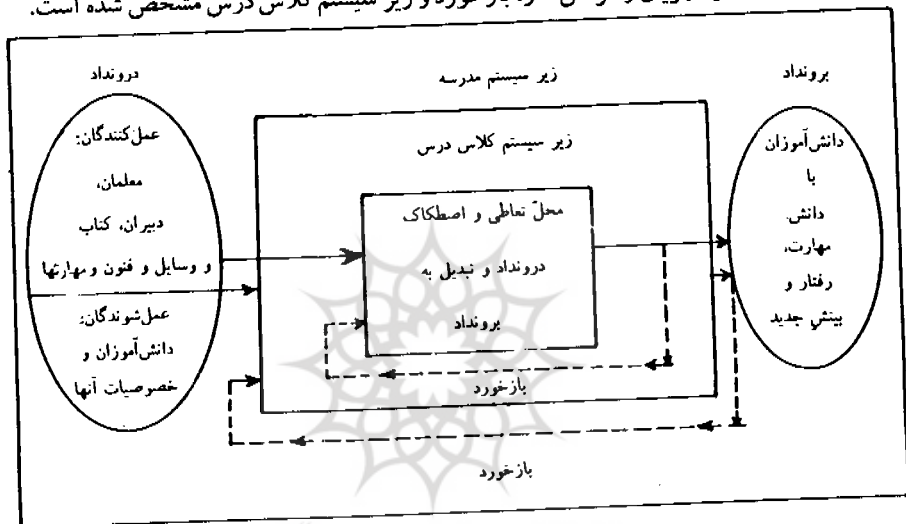
## تحلیل سیستمی وظایف آموزشی و پرورشی به منظور تعیین قلمرو سیستم آموزشی وزارت آموزش و پرورش

در این تحلیل از مفاهیم سیستمها که بحث جدیدی در مدیریت آموزشی است استفاده می‌شود. بسیاری از خوانندگان محترم با اصطلاحاتی چون درونداد<sup>۱</sup>، بیرونداد<sup>۲</sup>، بارخورد<sup>۳</sup> و جریان گردش کار<sup>۴</sup>، و زیر سیستم<sup>۵</sup> آشنایی دارند و می‌دانند یک کلاس درس زیر سیستمی از سیستم مدرسه محسوب می‌شود. مدرسه نیز زیر سیستمی از سیستم وزارت آموزش و پرورش است که در ارتباط با آموزش و پرورش کشور می‌باشد.

عواملی چون معلمان و دبیران، میز، تخته‌سیاه، کتاب و محتوا، روشها و فنون و مهارت‌های

تدریس، تخصص و تعهد معلمان و دبیران و... به عنوان عمل‌کنندگان و دانش‌آموزان، دانش، مهارت، نگرش و طرز تلقی آنان به عنوان عمل‌شوندگان محسوب می‌شوند.

هریک از عوامل انسانی چه به صورت عمل‌کننده یا عمل‌شونده وارث فرهنگ، دانش، اطلاعات و نگرشی است که دیگران در خارج از کلاس در او نهاده‌اند و همراه با آن وارد کلاس درس می‌شود. طبقه اجتماعی، وضع اقتصادی، اولویتها، دانش و اطلاعات، رویه و نگرش و طرز تلقی، سواد و شغل و زبان و فرهنگ خانواده و محیط زندگی معلمان و دانش‌آموزان و سوابق تحصیلی آنان همه به صورت درون‌داد سیستم هستند که در کلاس و در حوال و حوش هدفهای آموزش و پرورش، موضوعهای درسی و وظایف به تعاطی و اصطکاک با یکدیگر می‌پردازند. در شکل ۱، ارتباط درون‌دادی، بیرون‌دادی، جریان و گردش کار، بازخورد و زیر سیستم کلاس درس مشخص شده است.



شکل ۱ - کلاس درس به صورت زیرسیستم مدرسه

نتایج تحقیقات انجام‌شده مؤید این واقعیت است که محیط آموزشی و تقویت‌کننده یادگیری زمانی به وجود می‌آید که خصوصیات و ارزشهای رسمی کلاس درس و مدرسه با ارزشها و خصوصیات معلمان و دبیران و دانش‌آموزان سازگار باشند. چنانچه زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی معلمان و دبیران با زمینه‌های مذکور در خانواده دانش‌آموزان و محیط آموزشی سازگار باشد هیچیک از آنان خود را در محیط نامأنوس با زندگی عادی، خوی و صفات و ارزشهای برگزیده، زبان و آداب و رسوم خود نمی‌یابند و شانس یادگیری در چنین محیطی افزایش می‌یابد.

دانش‌آموزی که از یک محیط خانوادگی که در آن سواد و زبان استعمال نداشتند و جملات کتابی وجود ندارد در محیط رسمی کلاس درس قرار می‌گیرد که زبان او را بکار نمی‌برد، بلکه جملات کتابی و کلاسیک و سطح سواد معلم و نحوه بیان او با تفاوت آشکاری با آنچه که او بداند خوی دارد استعمال می‌شود با مشکلات ناسازگاری با محیط جدید مواجه است. ناموفق شدن در سازش با محیط کلاس و مدرسه می‌تواند عامل اساسی آفت تحصیلی این‌گونه دانش‌آموزان باشد. بنابراین داده‌های به

سیستم از قبیل سطح سواد و تجارب معلّمان، فرهنگ و خصوصیات اخلاقی و رفتاری آنان در سطح کلاس یا دانش و نگرش و سواد و زبان و فرهنگ دانش‌آموزان برخوردار شده و پس از تلاشهای آموزشی و فعالیتهای کلاسی در حول برنامه‌های درسی به صورت تغییر در رفتار، دانش، مهارت و بینش دانش‌آموزان درآمده و از سیستم کلاس و مدرسه خارج می‌شود.

یک معلّم ورزیده با شناخت تأثیرات مثبت عوامل درون‌داد سعی می‌کند از تجارب و اطلاعات دانش‌آموزان که با موضوع درس و وظایف کلاس متناسب باشد به نحو شایان استفاده کند و در این جریان بر رشد بینش و اطلاعات خود نیز بیفزاید.

برون‌داد این زیرسیستم ممکن است برای کارآیی یک لحظه، یک ساعت، بر آوردن یک هدف معین آموزشی یک ثلث، یک سال و یا یک دوره آموزشی قابل بررسی باشد. رابطه بازخوردی زمانی است که مدرسه و معلّم و یا دانش‌آموز هر یک به جریان گردش کار مجدداً نظر انداخته و نتیجه حاصله را با تلاشها، وسایل، روشها، فنون و اوقات آموزشی و پرورشی مقایسه و تحلیل کرده و سپس راههای جدیدی را برای شروع دوره دیگر آموزشی اتخاذ کنند. مثلاً این بازخورد برای معلّم ممکن است به صورت استفاده از روشهای جدید تدریس، وسایل و ابزارهای جدید، فنون و مهارتهای تدریس، مطالب و محتوای دیگر و یا سازماندهی و طراحی مناسب‌تر آموزشی باشد.

بازخورد دانش‌آموزی که توانسته است در یک دوره تحصیلی موفق شود ممکن است تقویت و کاربرد مجدد روش مطالعه به کار رفته باشد. و یا دانش‌آموزی که از یک درس نمره مطلوب نیاورده در عادت مطالعه و یادگیری خود تغییر داده و با آمادگی بیشتر به ادامه تحصیل بپردازد. مسلماً چنانچه هدفهای آموزشی مشخص باشند باید نتایج و برون‌داد سیستم با آن مقایسه شود و برای هر گونه انحراف از هدفها چاره‌اندیشی گردد.

اکنون با توجه به اینکه کلاس درس به صورت زیرسیستم مدرسه و مدرسه به صورت زیرسیستم وزارت آموزش و پرورش تحلیل شد لازم است به دو مفهوم دیگر سیستمها اشاره شود.

۱. بجز کوچکترین سیستم هر سیستم دیگر دارای زیرسیستم می‌باشد.

۲. بجز بزرگترین سیستم هر سیستم دیگر دارای سیستم بزرگتر می‌باشد.

با توجه به دو مفهوم مذکور می‌توان سیستم کلاس درس را تحلیل کرد و در آن زیرسیستمهایی که بر اثر علقه‌های گروهی، زبان، رفتار، خوی و اخلاق و یادگیری و تحصیلی تشکیل شده‌اند یافت. در داخل مدرسه نیز علاوه بر زیرسیستمهای کلاسهای درسی می‌توان زیرسیستمهای دیگری چون گروههای درسی معلّمان، معلّمان تازه کار در برابر معلّمان قدیمی، گروههای سیاسی و عقیدتی، و یا معلّمان در برابر کارکنان و غیره را ملاحظه نمود. و بالاخره مدرسه در مجموع زیرسیستمی برای وزارت آموزش و پرورش بوده که آن نیز بخشی از وظیفه آموزش و پرورش کشور را انجام می‌دهد. اکنون با روشن شدن وظایف آموزش و پرورش در سطح کلاس و مدرسه لازم است سایر عوامل و ارتباطات میان آنان نیز تحلیل شود.

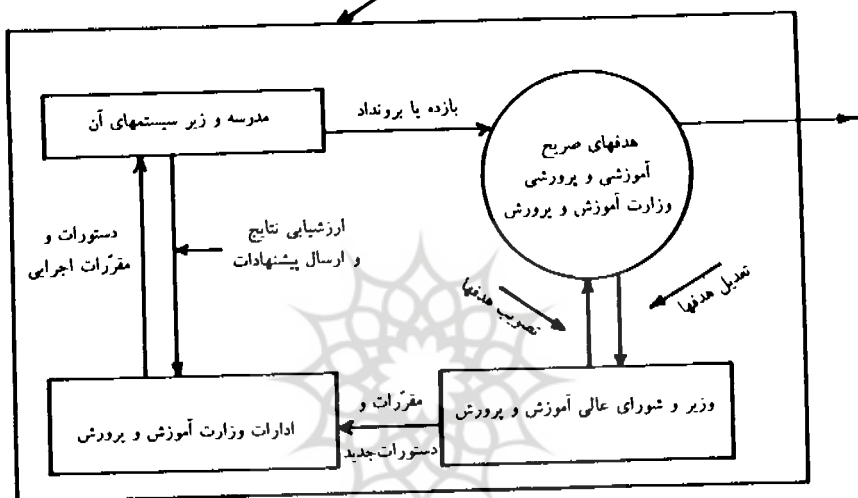
## تحلیل ارتباطات عوامل بیرونی و درونی سیستم آموزش و پرورش

برای تحلیل عوامل فراسیستم وزارت آموزش و پرورش و عوامل درونی آن به دو اصطلاح دیگر در مبحث سیستمها اشاره می‌شود:

### ۱ - پارامترها ۲ - متغیرها

همه سیستمها دارای عواملی هستند که بر ساخت و عملکرد سیستم اثر دارند. عوامل درونی سیستم را «متغیرها» و عوامل بیرون سیستم و درون محیط آنرا «پارامتر» می‌نامند. شکل ۲ متغیرهای درون سیستم وزارت آموزش و پرورش را نشان می‌دهد.

سیستم آموزشی وزارت آموزش و پرورش



### شکل ۲ - عوامل درونی سیستم وزارت آموزش و پرورش و ارتباط میان آنها

این متغیرها شامل هدفهای صریح آموزشی و پرورشی وزارت آموزش و پرورش، وزیر و شورای عالی آموزش و پرورش، ادارات و مدارس می‌باشند. هر یک از این عوامل خود دارای زیر سیستمهایی هستند که در مجموع ماهیت وجودی آنان را بروز می‌دهد.

علاوه بر جریان گردش کار در هر یک از عوامل مذکور ارتباطات میان آنها یعنی رابطه داده‌ای - بازدهی یا دروندادی و بروندادی به صورت پیکان مشخص شده است. هدفهای آموزشی و پرورشی مرتبط با سیستم وزارت آموزش و پرورش باید توسط شورا بررسی و تدوین و تصویب گردد و وزیر آموزش و پرورش مصوبه شورا را برای اجرا امضاء نماید.

برای روشن شدن رابطه وزیر و شورای عالی بهتر است به نمودار تشکیلات وزارت آموزش و پرورش توجه شود.

در این نمودار رابطه شورای عالی آموزش و پرورش با وزیر آموزش و پرورش به صورت خط چین مشخص شده است. در نمودارهای سازمانی خط مقطع یا خط چین به معنی رابطه ستادی

## وزارت آموزش پرورش

- ۱. سازمان عالی سنجش
- ۲. مرکز پژوهش‌های آموزشی
- ۳. مرکز آمار و احصای نیروی انسانی
- ۴. مرکز بازرسی و نظارت بر مراکز\*
- ۵. مرکز فرهنگ و تفریح
- ۶. مرکز امور بین‌المللی
- ۷. مرکز امور محرومان

## سازمان آموزش پرورش

### معاونت همکاران آموزش

فرماندهی عالی

معاونت امور تربیتی

#### معاونت اداری و مالی

#### معاونت مأمورین تربیت پرورشی

#### معاونت حقوقی آموزش

- معاونت تهیه و پرداخت حقوق
- اداره آموزش عالی
- اداره کل آموزش عالی
- اداره کل معارف و اوقاف
- اداره کل امور تربیتی
- اداره کل ایام و مراسمات

- معاونت مسجدها
- معاونت خیرات و صدقات
- معاونت امور هنر

معاونت امور حقوقی

معاونت تخصصی ارزشیابی	معاونت مشاوره و اسناد
معاونت تفریح و ورزش	معاونت امور محرومان
<div style="display: inline-block; width: 80%; border: 1px solid black; padding: 2px;">تاریخ: <span style="font-size: 1.2em;">۱۳۰۰</span></div>	

واحد اداری  
دفتر ستادی

معاونت انفرادی

#### معاونت آموزش در مدارس

- معاونت مدارس کتبی
- معاونت مدارس سخن
- معاونت مدارس باستانی
- معاونت مدارس علمی و حرفه‌ای
- معاونت مدارس پیکار

معاونت نصاب و روش

#### معاونت امور آموزشی

- معاونت نصاب و روش
- معاونت مدارس متوسطه
- معاونت مدارس کهن و آیین هنر
- اداره کل احکامات
- معاونت امور معارف و اوقاف

#### معاونت امور پرورشی

- اداره کل امور تربیتی
- اداره کل تربیت عالی

\* نامی که در این صورت  
بیشتر استفاده می‌شود، از آنجا که معاونت پرورشی در تمام مدارس است و در سایر معاونت‌ها نیست.

\*\*\* معاونت کل و محض است و سایر معاونت‌ها در آن نیستند.

شکل ۳ - نمودار تشکیلات وزارت آموزش و پرورش

است که شورا یا افراد صاحب‌نظر با مسئولین دارند و مسئولین از طریق خط پیوسته دستورات و تصمیمات خود را به مقامات پایین‌تر ابلاغ می‌کنند.

آیین‌نامه‌های داخلی شورای عالی آموزش و پرورش نحوه‌گردش کار در شورا را تعیین می‌کند. طبق بند ۱۶ از ماده ۶، تصویب آیین‌نامه داخلی و آیین‌نامه‌های مربوط به شوراهای منطقه‌ای آموزش و پرورش و شوراهای فرهنگی محلی و شوراهای مدارس به عهده شورای عالی آموزش و پرورش است.

بطور مثال می‌توان به دو نمونه از آیین‌نامه داخلی شورا، یکی به تاریخ ۵۹/۶/۱۶ به تصویب رسیده و در فصلنامه تعلیم و تربیت سال ۱۳۶۴ آمده است و دیگری آیین‌نامه داخلی مصوب ۶۰/۲/۱۳ اشاره کرد. آیین‌نامه نخست که در دویمت و هفتمین جلسه شورای عالی به تصویب رسیده مقرر می‌دارد که کلیه پیشنهادهای ادارات و دفاتر به وسیله معاونت مربوطه به مقام عالی وزارت ارائه و در صورت موافقت ایشان در شورا مطرح می‌گردد. ضمناً حق طرح موضوعات دیگر به عنوان قبل از دستور یا پیشنهاد نظر خود به رئیس شورا را به اعضاء شورا می‌دهد.

ماده ۴ آیین‌نامه داخلی مورخ ۶۰/۲/۱۳ که در دویمت و سی و هفتمین جلسه شورای عالی به تصویب رسیده است مقرر می‌دارد: «مطالبی که باید در شورا مطرح شود از طرف رئیس عنوان خواهد شد. هر یک از اعضاء حق طرح موضوعات دیگری را به عنوان قبل از دستور دارد ولی بحث و اتخاذ تصمیم نسبت به آنها منوط به رأی شورا است.»

با توجه به دو مورد مذکور می‌توان استنباط نمود که شورا در هر دوره می‌تواند آیین‌نامه داخلی خاص خود را تهیه و تدوین و تصویب نماید ولی مفاد آن باید در چارچوب ماده ۲ قانون تشکیل شورا باشد که چنین بیان می‌دارد: «ریاست شورای عالی آموزش و پرورش انتخابی است بدین منظور شورای عالی در یکی از جلسات از بین اعضاء خود یک نفر را به عنوان رئیس و یک نفر را به عنوان نایب رئیس با رأی مخفی برای مدت دو سال انتخاب می‌کند و انتخاب مجدد آنان بلامانع است.» و همچنین ماده ۴ قانون مذکور بیان می‌دارد: «هیچیک از مقررات آموزشی و پرورشی کشور که با وظایف شورای عالی آموزش و پرورش مربوط است قبل از تصویب در شورا رسمیت نخواهد یافت.» در هر حال روال معمول به این صورت است که وزیر آموزش و پرورش مصوبات شورای عالی را امضا و با امضای وی مصوبات قابلیت اجرا می‌یابند. برای اطلاع بیشتر از مفاد قانون تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش خوانندگان محترم را به مطالعه فصلنامه‌های تعلیم و تربیت که در این مقوله مقالات متعددی دارد راهنمایی می‌کند.

آنچه که اکنون مورد تحلیل قرار می‌گیرد نه رابطه وزیر و شورا بلکه حدود و قلمرو اختیارات و وظایف شورا است. از همان آغاز تشکیل شورا وظایف مشابهی چون وظیفه‌های بند ۱ و بند ۲ ماده ۶ به عهده این شورا قرار گرفته است. بند ۱ ماده ۶ مقرر می‌دارد: «تعیین خط مشی کلی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران طبق قانون اساسی کشور، با رعایت قوانین موضوعه کشور.» همچنین بند ۲ از ماده ۶ قانون مذکور بیان می‌کند: «بررسی و تصویب هدفها و نظام آموزش و

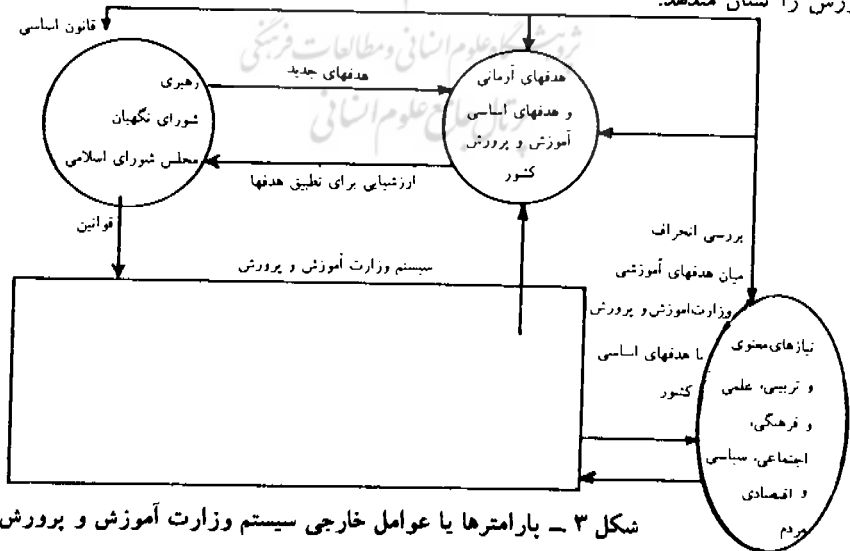
پرورش بر اساس خط‌مشی کلی آموزش و پرورش کشور».

همان‌طوری که می‌توان با ملاحظه دو بند مذکور نتیجه گرفت به شورا در موضوع آموزش و پرورش در سطح وسیع کشور اختیاراتی داده شده است. این در حالی است که تعیین خط‌مشی کلی آموزش و پرورش و بررسی و تصویب هدفها و نظام آموزش و پرورش بسیار وسیعتر از اختیارات سیستم وزارت آموزش و پرورش می‌باشد.

شایان توجه است امروز بر خلاف زمان تأسیس شورای مذکور وزارتخانه‌ها، مؤسسات و سازمانهای دیگری در جوار وزارت آموزش و پرورش به حصول به هدفهای آموزش و پرورش کشور تلاش می‌کنند. از جمله می‌توان به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت کار و امور اجتماعی و غیره اشاره کرد که جهت حصول به آرمانها و هدفهای اساسی تعلیم و تربیت سهم مهمی دارند. خلاصه آنکه ارتباط وظایف شورا با وزیر و ادارات تابعه او به صورت ستادی بوده و تعیین و تدوین هدفها، خط‌مشی‌ها و سیاست آموزشی منحصر در وزارت آموزش و پرورش به عهده آن است.

مسئلاً چنانچه متغیرهای مذکور یعنی شورا، وزیر، ادارات، مدارس، و هدفهای صریح آموزشی آن وزارت در درون سیستم طوری عمل نماید که ارتباط سیستم با محیط آن را منقطع سازد، خود را در دور تسلسلی باطلی غوطه‌ور می‌سازد که ممکن است در صورت تداوم آن و بعلمت دور ماندن از پاسخگویی به نیازها و شرایط محیطی در شکاف عظیم انتظارات از سیستم و نساتوانی آن در پاسخگویی به آن به اضمحلال و از هم پاشیدگی کشانده شود.

بنابراین و به اصطلاح مبحث سیستمی همه سیستمها محیطی دارند که عوامل آن در خارج از سیستم است. با توجه به این مفهوم جدید است که باید عوامل خارجی یا پارامترهای سیستم وزارت آموزش و پرورش را مشخص کرد. شکل ۳ عوامل خارجی یا پارامترهای سیستم وزارت آموزش و پرورش را نشان میدهد.



شکل ۳ - پارامترها یا عوامل خارجی سیستم وزارت آموزش و پرورش



این عوامل نه تنها در مورد وزارت آموزش و پرورش بلکه برای تمام وزارتخانه‌ها صادق است. مهمترین پارامترهای سیستم وزارت آموزش و پرورش، قانون اساسی، مقام رهبری، شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی، آرمانها و هدفهای اساسی آموزش و پرورش کشور و نیازهای معنوی و تربیتی، علمی و فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور می‌باشد. هر یک از این عوامل در کل سیستم وزارت آموزش و پرورش و عوامل و متغیرهای داخلی آنان تأثیر می‌گذارند و یا تأثیر می‌پذیرند. بیگانهای رسم شده ارتباطات برون و درون سیستم را نشان می‌دهد. همچنین ارتباطات میان پارامترها نیز مشخص شده است.

سیستم وزارت آموزش و پرورش به لحاظ ماهیت اجتماعی و روابط انسانی و ارتباطات آن با محیط خود از جمله «سیستمهای باز» می‌باشد. در اثر قطع ارتباط با محیط خود مسلماً به صورت سیستم بسته در آمده و در دراز مدت کارایی خود را از دست می‌دهد. مقامات تصمیم‌گیرنده نیز ممکن است عدم کارایی سیستم آموزش و پرورش آن وزارت را دلیل کافی برای تخصیص منابع مالی کمی از درآمد ملی به وزارت آموزش و پرورش تلقی نمایند. این موضوع در بیشتر کشورهایی که سازمان آموزش و پرورش آنها توانسته است در مقام پاسخگویی به انتظارات مردم و محیط بماند رخ داده است.

نتایج تحقیقات بین‌المللی اعلام و هشدار می‌دهد که تقلیل سهم آموزش و پرورش از درآمد ملی منجر به حرکت کیفیت آموزش و پرورش کشورها به قهقرا می‌گردد. زیرا عقب ماندن حقوق کارکنان آموزش و پرورش ناشی از کم شدن ارزش پول رایج به علت تورم و گرانی خود موجب افت کیفیت آموزشی می‌شود. در آن صورت فارغ‌التحصیلانی که شایستگی و وظیفه معلمی را دارند جذب سایر مشاغل می‌شوند و واماندگان آنان به اشتغال معلمی در می‌آیند. معلوم است که حاصل کار معلمان با شایستگی کمتر، محصول بدتر است و معلمان بعدی که خود از دست‌پروردگان همین معلمان هستند و از واماندگان جذب در سایر مشاغل با شایستگی کمتر و عقب‌مانده‌تر از معلمان خود، کار آموزش و پرورش را با کیفیت پایین‌تر تداوم می‌بخشند و این دور باطل اگر قطع نشود ادامه می‌یابد.

بنابر آنچه گذشت قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی، نیازهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و هدفهای مصوب دراز مدت اساسی و آرمانها از عوامل خارج از سیستم وزارت آموزش و پرورش می‌باشند که شورای عالی آموزش و پرورش برای ایجاد ارتباط خود با محیط و جلوگیری از تمایل سیستم به بسته شدن باید تصمیمات خود را با توجه به مصوبات و انتظارات آنان اتخاذ نماید. مطابق ماده ۴، لایحه تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش «هیچیک از مقررات آموزش و پرورش کشور که با وظایف شورای عالی آموزش و پرورش مربوط است قبل از تصویب در شورا رسمیت نخواهد یافت» این خود نشان دهنده قدرت و اختیاری است که مجلس شورای اسلامی برای این شورا قائل است. شورای عالی آموزش و پرورش زمانی می‌تواند وظیفه خود را بهتر انجام دهد که مفهوم ارتباطات میان عوامل درونی و بیرونی سیستم وزارت آموزش و پرورش را در تصمیمات خود ملحوظ بدارد. اگر در مواردی چون بند ۱ و بند ۲ از ماده ۶ و مواد دیگر به شورا

وظایفی گسترده‌تر از حد سیستمی وزارت آموزش و پرورش داده شده است این اشکال از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیست زیرا قانون اساسی روابط میان هر یک از سیستمها (وزارتخانه‌ها) را به صورت قوه مجریه، با قوای مقننه و قضائیه روشن ساخته است.

## قانون اساسی روابط میان عوامل درونی سیستم وزارت آموزش و پرورش را با آموزش و پرورش کشور مشخص کرده است:

از تأسیس دارالفنون تاکنون آموزش و پرورش رسمی کشور پدیده‌ای است که دائماً در حال رشد بوده و با نظام متمایل به تمرکز خود تصمیمات مربوط به تعیین و توزیع بودجه، پذیرش دانش‌آموز، تعیین مقاطع دوره‌های تحصیلی (دبستان، راهنمایی، دبیرستان)، تأسیس مدارس، تهیه، تألیف و تدوین کتابهای درسی، گزینش و استخدام معلمان، کارکنان و مدیران را اتخاذ نموده است. در این راستا شاهد تعداد کثیری دانش‌آموز هستیم که هر سال بار کوردی جدید و ناشی از رشد جمعیت و به زیر پوشش در آوردن بیسوادان جامعه در حال افزایش است. این سیستم با داشتن وظیفه پاسخگویی به نیازهای آموزش و پرورش بیش از دوازده میلیون دانش‌آموز باید بتواند وظایف خود را بهتر بشناسد، یعنی وظایفی را که می‌تواند بهتر از سایر وزارتخانه‌ها و دستگاههای اجرایی انجام دهد از وظایفی که دیگران بهتر از آن انجام می‌دهند شناخته و تمیز دهد. قانون اساسی خود بهترین اساس این تمیز را فراهم آورده است که به موجب آن روابط وزارت آموزش و پرورش در قبال سایر مؤسسات و سازمانهای ذیربط محدود و مشخص شده است.

این واقعیت را باید پذیرفت که تعیین و تدوین سیاستهای آموزش و پرورش، متأثر از نفوذ سیاسی است. مگر می‌توان وجود این نفوذ را بر سیستم آموزش و پرورش وزارت آموزش و پرورش نادیده گرفت وقتی که مدارس از آن طریق:

۱ - آرمانها و هدفهای اساسی خود را می‌یابند.

۲ - منابع و وسایل لازم خود را از آن تأمین می‌کنند.

۳ - برای تأسیس خود موضع قانونی بدست می‌آورند.

۴ - کنترل و ارزشیابی شده و در جهت حصول به هدفها هماهنگ می‌شوند.

راه اساسی برای هماهنگی عملکردهای هر وزارت، در گرو انجام تلاشها در جهت حصول به هدفهای اساسی و آرمانهای کشور است. عملکردهای همه سازمانهای دولتی و خصوصی بسایند در جهت حصول به هدفهای اساسی آموزشی و پرورشی کشور هماهنگ شود. حصول به هدفهای اساسی نیاز به هدایت هدفهای صریح آموزشی و پرورشی هر وزارت یا مؤسسه و سازمان دارد که بتواند بطور هماهنگ در جهت هدفهای اساسی و آرمانها حرکت نمایند آرمانها و هدفهای اساسی در برابر نیازهای آتی شکل گرفته و انعطاف می‌یابند در حالی که هدفهای صریح درون سیستمی در پاسخگویی به نیازهای آتی و با سمت‌گیری به تحقق هدفهای اساسی و آرمانی تنظیم می‌شوند.

بنابر این میان هدفهای درازمدت آرمانی و اساسی آموزش و پرورش کشور که در خارج از

سیستم وزارت آموزش و پرورش و توسط مجلس شورای اسلامی و بر اساس قانون اساسی و اسلام تعیین می‌گردد با هدفهای صریح وزارت آموزش و پرورش از آموزش و پرورش دانش‌آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی که به مقتضای پاسخ به نیازهای آتی و در جهت هدفهای اساسی و آرمانی تدوین می‌گردد تفاوت بارز در قلمرو و حدود شمول آنها وجود دارد. اولی سیاستهای آموزشی و پرورشی وزارتخانه‌ها و مؤسساتی که بخشی از آموزش و پرورش کشور را تشکیل می‌دهند بیه هم مرتبط می‌سازد در حالی که دومی برای ارتباط قدرتهای اداری و اجرایی درون هر یک از سیستمها وضع می‌شود.

اولی به راهبری واحدهای اجرایی در جهت هدفهای آرمانی و اساسی آموزش و پرورش می‌پردازد در حالی که دومی هدفهای ملموس و مشخص در محدوده یک سیستم و در جهت هدفهای آرمانی و اساسی را مورد توجه قرار می‌دهد.

مونتسکیو می‌گوید: «قانونگذار قدرت اولیه را در اختیار دارد و دولت یا قوه مسخره طبق قوانین مصوبه حکومت می‌کند و برای اجرای قانون عوامل اجرایی ایجاد می‌گردد. از این رو قدرت اجرایی باید تابع قوانین مصوبه باشد.» ما این موضوع را در اصل هفتم قانون اساسی به خوبی ملاحظه می‌کنیم. اصل مذکور که بر اساس آیه شریفه «فِيمَا رَحْمَةً... وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آیه ۱۵۹ سوره آل عمران) به وجود آمده چنین مقرر می‌دارد:

مجلس شورای اسلامی شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها بر طبق دستور قرآن کریم «وَأْمُرْهُمْ شُورًا بَيْنَهُمْ» و «شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. ضمناً بر طبق اصل پنجاه و هشتم اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحل که در اصول بعد می‌آید برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد.

همچنین در اصل نود و سوم آمده است که مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان. در اصل نود و ششم تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت کُل اعضای شورای نگهبان است. اصل یکصد و دهم وظایف و اختیارات مقام رهبری را بر شمرده است. از مجموعه بحث در خصوص مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و مقام رهبری می‌توان چنین استنباط نمود که بررسی، تعیین خط مشی، و تدوین و تصویب هدفهای آرمانی، اساسی و کلی آموزش و پرورش کشور بر عهده مقامات مذکور است که در منطقه اول مدیریت نظام و تشکیلات جمهوری اسلامی ایران قرار دارند و سیستم وزارت آموزش و پرورش همچون سایر وزارتخانه‌ها و موسسات دیگر آموزشی باید هدفهای تربیتی خود را در قالب آن تهیه و تدوین کرده و جهت تصویب سیر سلسله مراتب ارتباط و تصمیم‌گیری را در نظام موجود طی کند. خوشبختانه در اصلاحیه اخیر قانون تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش که به تصویب

مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۶۵/۹/۲۵ رسیده است به این موضوع توجه شده و وظایف مذکور از ماده ۶ قانون تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش به شرح زیر اصلاح گردیده است:

بند ۱ ماده ۶ - تعیین خط مشی آموزشی وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران با رعایت قوانین موضوعه کشور

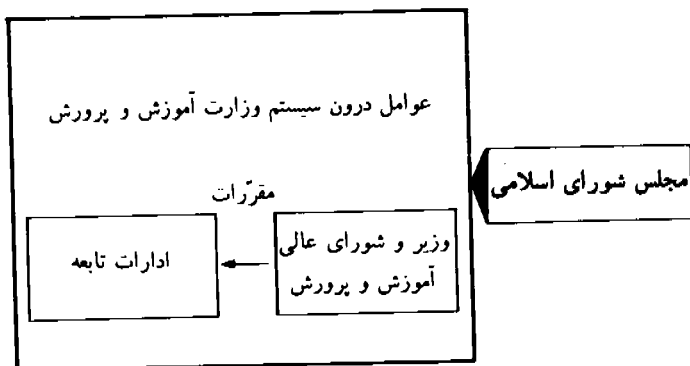
بند ۲ ماده ۶ - بررسی و تصویب هدفها و نظام آموزشی وزارت آموزش و پرورش جهت ارائه به مجلس شورای اسلامی

وزارت آموزش و پرورش چون سایر وزارتخانه‌ها در حکم قوه مجریه است و وظیفه‌اش در همین حدود خلاصه می‌گردد. بنا بر این قانون اساسی وظایف تعیین خط مشی و هدفهای اساسی و آرمانی و تصمیم‌گیری در قبال آنها را تعیین کرده است. نکته بعد نحوه اجرای این تصمیمات می‌باشد که توسط قوای مجریه و قضائیه صورت می‌گیرد. قانون اساسی مخصوصاً در فصل نهم که مربوط به قوه مجریه می‌شود وظایف مقامات اجرائی کشور را مشخص کرده است. اصل یکصد و سیزدهم، رئیس جمهور را پس از مقام رهبری عالیترین مقام رسمی کشور معرفی می‌کند. مطابق اصل یکصد و بیست و چهارم، رئیس جمهور فردی را برای نخست‌وزیری نامزد می‌کند و پس از کسب رأی تمایل از مجلس شورای اسلامی، حکم نخست‌وزیری برای او صادر می‌نماید. اصل یکصد و سومی و سوم، بیان می‌دارد که وزراء به پیشنهاد نخست‌وزیر و تصویب رئیس جمهور تعیین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند. مطابق اصل یکصد و سومی و هفت، هر یک از وزیران، مسئول وظایف خاص خویش در برابر مجلس است، ولی در اموری که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد مسئول اعمال دیگران نیز هست.

اصل یکصد و سومی و هشتم می‌گوید علاوه بر مواردی که هیأت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آئین‌نامه‌های اجرائی قوانین می‌شود هیأت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمانهای اداری به وضع تصویب‌نامه و آئین‌نامه پردازد. هر یک از وزیران در حدود وظایف خویش و مصوبات هیأت وزیران حق وضع آئین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد. ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد.

بنا بر این قوه مجریه و دولت می‌تواند به تهیه لایحه برای تصویب مجلس شورای اسلامی پردازد و بر طبق قوانین مصوبه مجلس برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمانهای اداری تصویب‌نامه وضع کند، و هر یک از وزیران در قلمرو سیستم وزارتخانه خود در قالب مصوبات هیأت وزیران حق وضع آئین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد که مفاد آن نباید با متن و روح قوانین مصوبه مجلس شورای اسلامی مخالف باشد.

با توجه با مطالب فوق مشخص می‌شود که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران روال تصمیم‌گیری و اجرا را برای وزارتخانه‌ها و مسئولین بیان کرده است و بر طبق آیه شریفه ۱۵۹ سوره آل عمران، قانونگذار قوانین را تصویب و قوه مجریه برنامه‌های اجرائی آن را تنظیم و وزارتخانه‌ها و سازمانها امکانات اجرائی آن را فراهم می‌کنند.



شکل ۴ - ارتباط میان قانونگذار (خارج از سیستم وزارت آموزش و پرورش) با وزیر و شورای عالی آموزش و پرورش و ادارات تابعه (داخل سیستم وزارت آموزش و پرورش)

تصویب اصلاحات قانون تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش توسط مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۶۵/۹/۲۵ در پیچه‌ای را برای تحوّل اساسی در وظایف شورای عالی آموزش و پرورش گشوده است. وقت آن رسیده است که شورای عالی با توجه به قانون اساسی، اختیارات مجلس شورای اسلامی و نیازهای مردم، آرمانها و هدفهای اساسی که همگی به عنوان عوامل خارج از سیستم وزارت آموزش و پرورش تحلیل شد و با توجه به عوامل درونی یعنی وظایف خود، هدفهای صریح آموزش و پرورش، ارتباطات میان ادارات تابعه و مدارس بتواند تغییرات اساسی را برای روشن شدن هدفهای صریح تعلیم و تربیت در سطوح مختلف تحصیلی، مقرراتی که در ادارات به صورت مختلف در باره یک موضوع اجرا می‌شود، و ایجاد ارتباط منظم و منطقی با سازمانهای ذیربط آموزشی و پرورشی کشور بوجود آورد و شناخت حاصل از تحلیل عوامل را در تعریف کردن مشکلات و یافتن راه‌حلهای مناسب آنان بکار گیرد. همچنین امیدوار است شورای عالی آموزش و پرورش با توجه به قوانین جدید، نظری مجدد به مصوبات خود نماید تا چنانچه تفاوتهایی آشکار می‌شود با اصلاح آن راه هماهنگی و پویایی را برای تعیین سرنوشت وزارت آموزش و پرورش و پیشرفت آن بییابد.

یکی از نمونه‌هایی که به نظر نویسنده نیاز به تجدیدنظر دارد در زیر ذکر می‌شود با این تمایل که موارد دیگر با توجه به محدوده قلمرو وظایف وزارت آموزش و پرورش با تصویب قوانین و مقررات جدید اصلاح گردد.

### «هدفهای اساسی تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران»

همچنانکه گفته شد هر سازمانی بر مبنای هدفهای خاصی بوجود می‌آید و تمام برنامه‌ها، فعالیتها و امکانات آن در جهت تحقق این

هدفها بکار گرفته میشود از آنجائیکه مطالعه سازمان آموزش و پرورش فعلی بدون شناخت هدفهای تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران فاقد کارآئی و ارزش لازم خواهد بود لذا ضرورت دارد نخست با این هدفها که در سیصد و بیست و پنجمین جلسه شورایعالی آموزش و پرورش مورخ ۱۳۶۲/۹/۲۳ بتصویب رسیده است آشنا شده سپس به بررسی سازمان و تشکیلات کنونی وزارت آموزش و پرورش بپردازیم. «در پی انقلاب شکوهمند اسلامی که به رهبری و امامت پیشوای بزرگوار حضرت آیت الله العظمی امام خمینی و با فداکاریها و ایثارگریهای امت مسلمان ایران صورت گرفت، کشور اسلامی ما به استقلال و آزادی رسید و حیات نوین الهی خود را با تأسیس جمهوری اسلامی بنیان نهاد.

با توجه به وظیفه خطیری که وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در تزکیه و تربیت و تعلیم فرزندان این سرزمین بزرگ اسلامی برعهده دارد، شورایعالی آموزش و پرورش پس از بررسیها و مطالعات لازم در سیصد و بیست و پنجمین جلسه خود مواد زیر را به استناد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان «هدفهای اساسی آموزش و پرورش» مورد تصویب قرار داد:

آرمان تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران، تحکیم ایمان به:

- الف - خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حساکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.
- ب - وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.
- ج - معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.
- د - عدل خدا در خلقت و تشریح.
- ه - امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی.

و - کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا میباشد و برای تحقق آرمان فوق هدفهای اساسی زیر در آموزش و پرورش مورد توجه قرار میگیرد.

#### اهداف معنوی و تربیتی

۱ - تبیین اصول و معارف و احکام دین اسلام و مذهب جعفری

اثنی عشری بر اساس کتاب و سنت پیامبر و معصومین سلام الله علیهم اجمعین.

- ۲ - رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان به خدا و تقوی.
- ۳ - تقویت روح بررسی و تتبع و تحقیق و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی و فنی، فرهنگی و اسلامی.

#### اهداف علمی و فرهنگی

- ۴ - شناخت اسرار جهان آفرینش و کشف قوانین طبیعت بمنظور پیشبرد دانش و استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری.
- ۵ - رشد مستمر علمی و فنی در زمینه‌های کشاورزی و صنعتی و امور نظامی و مانند اینها.
- ۶ - تربیت افراد متعهد و آگاه و ماهر برای پیشرفت همه جانبه کشور.
- ۷ - آشنائی با فرهنگ و سنن جامعه اسلامی ایران و شکوفا کردن ذوق هنری و حس زیبایی‌شناسی.
- ۸ - تعلیم زبان و خط فارسی و نیز تعلیم زبان عربی جهت آشنائی با قرآن و معارف اسلامی.
- ۹ - ایجاد روحیه مشارکت مؤثر در تعلیم و تعلم مستمر.

#### اهداف اجتماعی

- ۱۰ - پاسداری از قداست و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی.
- ۱۱ - تأمین قسط و عدل اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی.
- ۱۲ - توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی و تقویت همبستگی ملی.
- ۱۳ - تربیت روحیه دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر بعنوان وظیفه‌ای همگانی و متقابل.
- ۱۴ - احترام به قانون و ایجاد عادت مطلوب برای رعایت آن و حمایت از برخورداری عموم از حقوق قانونی خویش.
- ۱۵ - آگاه ساختن عموم مردم نسبت به اهمیت و ارزش آموزش و پرورش و اهداف آن.

## اهداف سیاسی

- ۱۶ - پذیرش حاکمیت مطلق خدا بر جهان و انسان و آشنائی با طرق و شیوه‌های اعمال این حاکمیت در جامعه بر اساس اصل ولایت فقیه و سایر اصول قانون اساسی.
- ۱۷ - ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی و کوشش پیگیر جهت تحقق وحدت سیاسی اقتصادی و فرهنگی مسلمین و تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بیدریغ از مستضعفان جهان.
- ۱۸ - نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و تأمین استقلال سیاسی.
- ۱۹ - تقویت بنیه دفاعی از طریق آموزش نظامی در محیط‌های آموزشی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و توجه کامل به تربیت بدنی.

## اهداف اقتصادی

- ۲۰ - ایجاد آمادگی و توانائی جهت مشارکت فعال در تولیدات کشاورزی، دامی، صنعتی برای تأمین خودکفائی و رهائی از وابستگی.
- ۲۱ - ایجاد روحیه صرفه‌جویی و قناعت و پرهیز از اسراف و تبذیر در همه شئون اقتصادی.
- ۲۲ - ایجاد روحیه احترام نسبت به مالکیت مشروع دیگران.
- ۲۳ - رعایت اصول بهداشت و حفاظت محیط زیست بعنوان یک وظیفه عمومی.
- آرمان تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران در ۶ بند و هدفهای اساسی در پنج قسمت و ۲۳ بند در سیصد و بیست و پنجمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۱۳۶۲/۹/۲۳ به تصویب رسید صحیح است به مورد اجرا گذارده شود»

سیداکبر پرورش

وزیر آموزش و پرورش

جمهوری اسلامی ایران

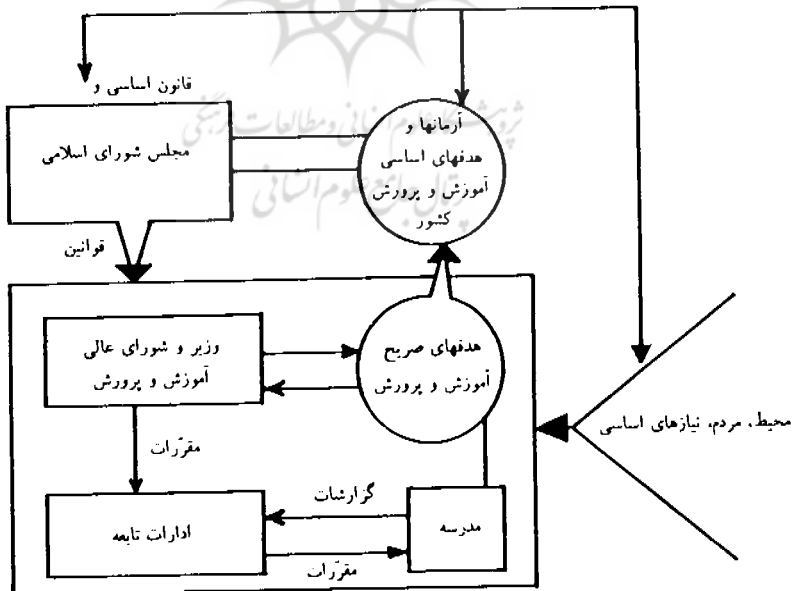
امضاء

بطوریکه از بررسی مفاد این متن می‌توان نتیجه گرفت آرمانها و هدفهای اساسی تعلیم و تربیت مربوط به تمام کشور و تمام وزارتخانه‌های مربوطه است. اگر به مفاد بند ۲ ماده ۶ قانون تشکیل



شورای عالی آموزش و پرورش توجه شود معلوم می‌گردد که وظیفه شورا بررسی و تصویب هدفها و نظام آموزشی وزارت آموزش و پرورش جهت ارائه به مجلس شورای اسلامی است. ضمناً آرمان تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران که در متن مذکور آمده همانی است که در اصل دوم قانون اساسی صریحاً ذکر گردیده است. در این صورت نیز لزومی به تصویب مجدد آن در شورای عالی آموزش و پرورش و امضای وزیر برای اجرای آن به نظر نمی‌رسد. مگر شورا و وزیر آموزش و پرورش نباید در قالب قانون اساسی انجام وظیفه نمایند. این استدلال همچنین در مورد هدفهای اساسی که در پنج قسمت و ۲۳ بند آمده است قابل اعمال می‌باشد. چه تصویب هدفهای معنوی و تربیتی، علمی و فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جزو قلمرو وظایف مجلس شورای اسلامی است بطوری که در مبحث دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در صلاحیت و اختیارات مجلس شورای اسلامی آمده است که به موجب آن مجلس شورای اسلامی می‌تواند در حدود مقرر در قانون اساسی، قانون وضع کند، به شرح و تفسیر قوانین عادی... بپردازد، طرح قانونی تهیه نماید، به تحقیق و تفحص در تمام امور کشور بپردازد، و... که همه مربوط به اختیارات مجلس در اظهار نظر نسبت به همه مسائل داخلی و خارجی کشور می‌باشد.

هرچند حتی در قانون اصلاح موادی از قانون تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش و الحاق یک ماده به آن مورخ ۱۳۶۵/۹/۲۵ چنین اصلاحات مفیدی ایجاد شده که از بدو تشکیل قانون مذکور تا آن زمان مورد توجه اندیشمندان و مسئولین آموزش و پرورش نبوده است ولی با معیارهایی که تحلیل سیستمی به دست می‌دهد می‌توان موارد دیگری یافت که اصلاح آنها موجب هماهنگی تلاشهای عوامل خلاصه مطالب مذکور به صورت شکل ۵ آمده است:



شکل ۵- تحلیل روند تصمیم‌گیری و اجرای آموزش و پرورش کشور و آموزش و پرورش وزارت آموزش و پرورش

درونی در جهت برآوردن هدفهای اساسی گردد. از جمله خود ماده ۴ قانون مذکور احتیاج به اصلاح دارد چه مقرر می‌دارد «هیچیک از مقررات آموزشی و پرورشی کشور که با وظایف شورای عالی آموزش و پرورش مربوط است، قبل از تصویب در شورا رسمیت نخواهد یافت». در حالی که سیستم وزارت آموزش و پرورش چون سایر وزارتخانه‌ها باید تابع قانونگذار باشد نه اینکه قانونگذار شود.

امید است در مقاله دیگر با استفاده از تحلیل سیستمی به عوامل بازدارنده قوانین و مصوبات در ادارات مختلف آموزش و پرورش بپردازیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



1. In put    2. Out put    3. Feed back    4. Process    5. Sub-system